

بررسی وضعیت بازار کار دانش‌آموختگان عالی در ایران ۱۳۹۰

« با تاکید بر استان گیلان »

مهرداد نوروزی فیروز ، صادق اکبری ، وحید طیفوری

«ارایه شده در همایش تحلیل یافته‌های سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ - ۵ و ۶ آذر ماه ۱۳۹۲»

چکیده. در عصر ما نقش نیروی انسانی ماهر و متخصص برای دستیابی به اهداف و چشم‌اندازهای توسعه کشور بسیار حائز اهمیت می‌باشد. سهم دانش‌آموختگان آموزش عالی از کل باسوادان از حدود ۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به حدود ۱۱ درصد در سال ۱۳۹۰ و سهم دانشجویان از افراد در حال تحصیل از ۲ درصد به ۲۴ درصد، بیانگر روند رو به رشد سطح تحصیلات جوانان و نیروی انسانی کشور می‌باشد. اما محدودیت عرضه فرصت‌های شغلی برای این گروه تقریباً شرایط نگران‌کننده‌ای را به ویژه در سطح برخی از رشته‌های تحصیلی فراهم نموده است. نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور از ۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. بمنظور تبیین جوانب این موضوع سعی شده است در این مقاله شاخص‌های اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی در کشور و استان‌ها و در سطح رشته‌های تحصیلی بدقت مورد بررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نرخ بیکاری مردان تحصیل‌کرده در تمام رشته‌ها بیش از دو تا سه برابر نسبت به زنان است. همچنین تراکم اشتغال و فارغ‌التحصیلان و دانشجویان در چند رشته خاص عملاً منجر به افزایش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها در وضعیت موجود شده است. لذا براساس جمع‌بندی کل تحقیق به نظر می‌رسد در شرایط فعلی و همچنین پیشگیری از روند رو به رشد بیکاری در این رشته‌ها تجدید نظر در جذب و پذیرش دانشجو در این رشته‌ها در اولویت قرار گیرد.

واژگان کلیدی. دانش‌آموختگان آموزش عالی؛ نرخ بیکاری؛ نرخ اشتغال؛

۱- مقدمه

یکی از ابعاد مهم توسعه فراهم نمودن شرایط مناسب برای مناسبات بازار کار و فراهم نمودن شرایط لازم برای عرضه و تقاضای نیروی کار است. به نحوی که با عرضه شغل برای آحاد متقاضیان کار بتوان نقش فرد در قبال جامعه را تعریف نمود و به عبارتی بنیان‌های اجتماعی را بر مبنای نقش افراد جامعه فعال آن پی‌ریزی نماییم. این عمل با تبدیل پتانسیل عظیم نیروی کار از قوه به فعل، چرخ‌های توسعه را در مسیر صحیح آن به حرکت درآورده و منجر به افزایش بهره‌وری و سرمایه انسانی و خلق ثروت خواهد شد. یکی از مهمترین موضوعات امروز اقتصاد ما مسئله اشتغال و بیکاری است و یکی از چالش‌های جدی پیش روی ما وضعیت نگران‌کننده بیکاری بویژه در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی است. توجه به این موضوع طی دو دهه گذشته همواره از دغدغه‌های تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان بوده است. به نحوی که تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری فراوانی برای افزایش نرخ اشتغال و کاهش نرخ بیکاری بکار گرفته شده است. لیکن علیرغم تلاش‌های صورت گرفته آن چه امروز شاهد آن هستیم نرخ بیکاری قابل توجه در کشور، بویژه در بین جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستیم. از دیگر سو علاوه بر بیکاری مشهود، شاهد بیکاری پنهان مشتمل بر اشتغال ناقص ناشی از پایین بودن مدت انجام کار هفتگی کمتر از ۴۴ ساعت و یا پایین بودن بهره‌وری نیز هستیم.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بررسی نظریه‌های مختلف نشان می‌دهد که آموزش یکی از شاخص‌های مهم برای افزایش بهره‌وری است و بواسطه افزایش سطح دانش نیروی کار، بواقع با تولید سرمایه انسانی موجبات افزایش تولید در جامعه فراهم می‌گردد. این آموزش می‌تواند در سطح تحصیلات عالی باشد و یا برحسب آموزش‌های پودمانی مبتنی بر مشاغل واز اینرو علاوه بر توان‌افزایی دانش و مهارت‌های فنی موجبات ارزش‌های اجتماعی و انتخاب برگزیدگان را نیز فراهم نماید.

همان‌طور که اشاره شد یکی از مهمترین عوامل توسعه در هر کشور سرمایه انسانی آن است. مبتنی بر بسیاری از نظریه‌های اقتصادی و آموزشی، ارتقا سطح تحصیلی و تربیت نیروی انسانی کارا و متخصص از نخستین گام‌ها در جهت رسیدن به توسعه پایدار

است. از این رو طی دهه‌های گذشته در کشور ما سرمایه‌گذاری قابل توجهی برای ارتقا سطح سواد و افزایش دانش آحاد جامعه بویژه در جهت گسترش آموزش عالی صورت گرفته است به نحوی که امروز با گسترش فضاهای آموزشی در بخش‌های دولتی و غیردولتی و استفاده از امکانات الکترونیکی تعداد فارغ‌التحصیلان آموزش عالی رو به فزونی بوده است. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ دانش‌آموختگان آموزش عالی بالغ بر ۱۱ درصد کل افراد با سوادی که تحصیل نمی‌کنند و دانشجویان بیش از ۲۴ درصد کل افراد در حال تحصیل را بخود اختصاص داده‌اند و از طرفی بیش از ۲۰ درصد بیکاران را بیکاران با تحصیلات عالی شامل شده‌اند که تعداد آن‌ها بالغ بر ۷۵۰ هزار نفر می‌باشد. همان‌طور که می‌دانیم نگاه به پدیده اشتغال متناسب با شرایط زمانی، مکانی و فرهنگی متفاوت می‌باشد. بنابراین پر واضح است که رابطه میزان سطح تحصیلی با سطح اجتماعی مشاغل یک ارتباط همسو دارد. به طوری که در وضعیت موجود نمی‌توان انتظار داشت که فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در مشاغل سطح پایین و غیر متناسب با تخصص آن‌ها جذب نمود. لذا اگرچه دیدگاه‌هایی وجود دارد که آموزش را مستقل از مقوله اشتغال می‌داند اما باید این واقعیت را پذیرفت که با افزایش سطح تحصیلات و عدم عرضه شغل مناسب و عدم هماهنگی بین نیاز کارفرمایان و بازار کار با نوع تخصص‌ها و عرضه نیروی کار با تحصیلات عالی شاهد روند رو به رشد بیکاری در بین دانش‌آموختگان آموزش عالی خواهیم بود.

۳- بررسی روند کلی شاغلان و بیکاران دارای تحصیلات عالی

بررسی نتایج سرشماری‌های گذشته بیانگر تغییرات قابل توجه در بسیار از شاخص‌های اشتغال و بیکاری کل و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی می‌باشد. بر اساس نتایج جدول ۱ سهم دانشجویان کشور از جمعیت در حال تحصیل طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ رشد قابل توجهی داشته‌است به طوری که از ۲ درصد به ۲۴/۲ درصد یعنی از ۱۵۰ هزار نفر به حدود چهار میلیون نفر رسیده‌است. سهم دانش‌آموختگان آموزش عالی از کل باسوادان در سال ۱۳۵۵ برابر ۲/۲ درصد معادل ۲۸۰ هزار نفر بوده و در سال ۱۳۹۰ به ۱۱/۱ درصد رسیده‌است که به‌طور تقریبی معادل ۶/۳ میلیون نفر افزایش پیدا کرده‌است. نرخ بیکاری کل به استثنای سال ۱۳۷۵ با روند صعودی از ۱۰/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۴/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در این بین نیز نرخ بیکاری دانش‌آموختگان با تحصیلات عالی از سال ۱۳۵۵ به طور قابل ملاحظه‌ای

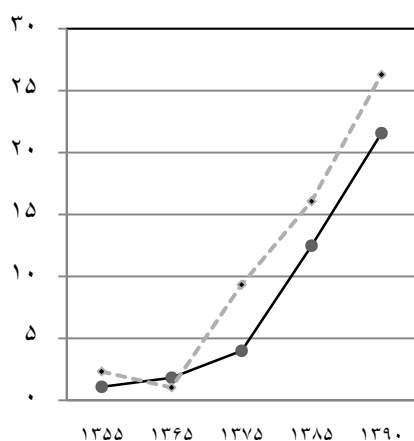
افزایش یافته است و از ۴/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۰/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ معادل ۳۷۰ هزار نفر افزایش پیدا کرده است این شاخص در سال ۱۳۹۰ نیز افزایش چشمگیری داشته به نحوی که نرخ بیکاری فارغ التحصیلان آموزش عالی به ۱۵/۳ درصد رسیده است و بالغ بر ۷۶۸ هزار نفر را شامل شده است. همزمان با افزایش سهم دانش آموختگان عالی در کل شاغلان (از ۲/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۰/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است.) شاهد افزایش سهم بیکاری دانش آموختگان عالی از کل بیکاران نیز بوده ایم به نحوی که مقدار آن از ۱/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۲۱/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. بنابراین با توجه به محدودیت بازار برای جذب نیروی کار روند سهم بیکاران با تحصیلات عالی از کل بیکاران به سرعت در حال پیشی گرفتن از سهم شاغلان با تحصیلات عالی از کل شاغلان است. نتایج جدول ۱ نشان می دهد که نرخ بیکاری گیلان طی سال های مورد بررسی همواره بیش از مقدار مشابه در کشور بوده است و در این بین نرخ بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی با شتاب بیشتری نسبت به مقدار مشابه در کشور در حال افزایش است. نکته حائز اهمیت آن است که سهم بیکاران با تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۰ برابر ۳۵۵۰۷ نفر معادل ۲۶/۳ درصد رسیده که ۴/۷ درصد از مقدار آن در کشور بیشتر است.

جدول ۱- شاخص های اشتغال و بیکاری کل و دانش آموختگان با تحصیلات عالی گیلان

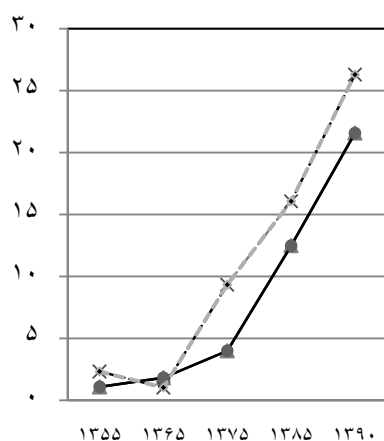
شاخص ها	کشور					گیلان				
	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
سهم دانشجویان از جمعیت ۶ ساله و بیشتر در حال تحصیل	۲/۰	۱/۶	۵/۰	۱۴/۴	۲۴/۲	۱/۷	۰/۸	۴/۴	۱۴/۴	۲۵/۱
سهم دانش آموختگان عالی از کل باسوادان ۶ ساله و بیشتر	۲/۲	۲/۵	۳/۶	۸/۰	۱۱/۱	۱/۲	۱/۸	۳/۳	۷/۸	۱۰/۸
نرخ اشتغال	۸۹/۸	۸۵/۸	۹۰/۹	۸۷/۲	۸۵/۲	۹۵/۱	۸۴/۵	۸۷/۲	۸۵/۱	۸۴/۹
نرخ بیکاری	۱۰/۲	۱۴/۲	۹/۱	۱۲/۸	۱۴/۸	۴/۹	۱۵/۵	۱۲/۸	۱۴/۹	۱۵/۱
نرخ اشتغال دانش آموختگان عالی	۹۵/۸	۹۳/۸	۹۶/۰	۸۹/۹	۸۴/۷	۹۵/۴	۹۴/۲	۹۲/۸	۸۲/۹	۷۹/۳
نرخ بیکاری دانش آموختگان عالی	۴/۲	۶/۲	۴/۰	۱۰/۱	۱۵/۳	۴/۶	۵/۸	۷/۲	۱۷/۱	۲۰/۷
سهم اشتغال دانش آموختگان با تحصیلات عالی از کل شاغلان	۲/۸	۴/۵	۹/۶	۱۶/۲	۲۰/۸	۲/۵	۳/۱	۱۷/۷	۱۳/۷	۱۷/۹
سهم بیکاری دانش آموختگان با تحصیلات عالی از کل بیکاران	۱/۱	۱/۸	۴/۰	۱۲/۵	۲۱/۶	۲/۳	۱/۰	۹/۳	۱۶/۱	۲۶/۳

ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن

همان‌طور که در شکل ۲و۱ مشاهده می‌شود نرخ بیکاری و سهم دانش‌آموختگان آموزش عالی گیلان از کل بیکاران همواره بیشتر از مقدار مشابه در کشور بوده است و روند افزایشی آن از شیب تندتری نسبت به کشور برخوردار بوده است.



شکل ۲- سهم دانش‌آموختگان بیکار با تحصیلات عالی از کل بیکاران (درصد)



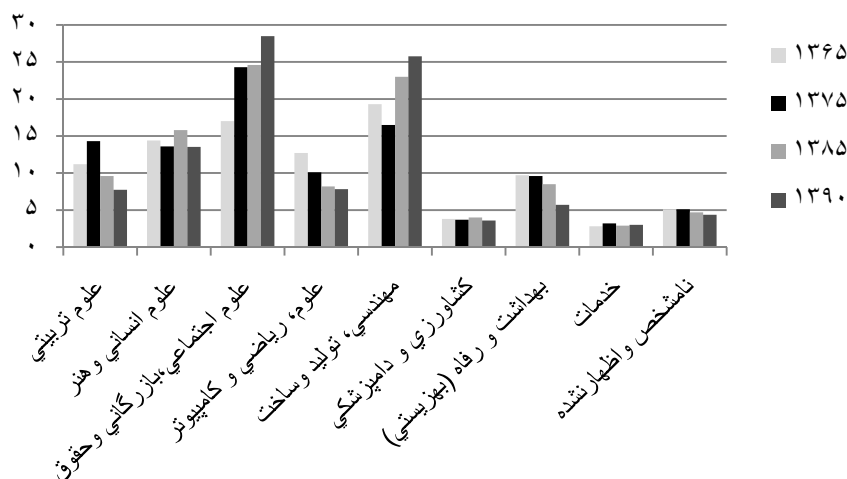
شکل ۱- نرخ بیکاری دانش‌آموختگان با تحصیلات عالی (درصد)

۴- وضعیت شاغلان دارای تحصیلات عالی برحسب رشته‌های تحصیلی

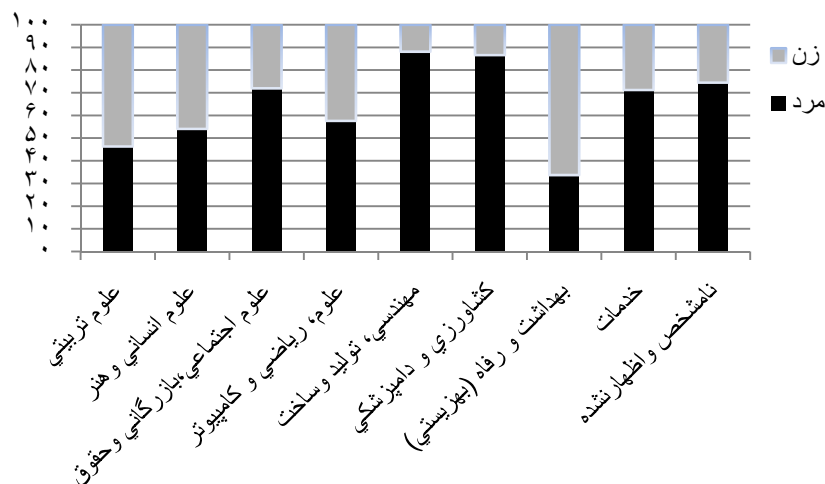
بررسی روند توزیع نسبی شاغلان با تحصیلات عالی در سطح رشته‌های تحصیلی نشان می‌دهد دو رشته تحصیلی «مهندسی، تولید و ساخت» و «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» همواره بیشترین سهم از شاغلان را داشته‌اند و سهم آن‌ها در سال ۱۳۹۰ به بالاترین مقدار خود طی سال‌های مورد بررسی رسیده است به طوری که سهم شاغلان این دو به ترتیب به ۲۸/۵ و ۲۵/۸ درصد شده است. همچنین دو رشته خدمات و «کشاورزی و دامپزشکی» به ترتیب با ۳ و ۳/۶ درصد کمترین سهم را بخود اختصاص داده‌اند. در این مقایسه مشاهده می‌شود که در سال ۱۳۹۰ رتبه دو رشته نخست جایجا شده و سهم آن‌ها نیز نسبت به سال ۱۳۶۵ افزایش قابل توجهی پیدا کرده است.

بررسی این شاخص برحسب جنسیت شاغلان نشان می‌دهد که توزیع شاغلان در هر رشته بر حسب جنسیت در کشور تفاوت قابل توجهی دارد به نحوی که در بین مردان بالاترین سهم به ترتیب مربوط رشته‌های «مهندسی، ساخت و تولید» با ۳۲/۹ درصد و

سپس رشته «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» با ۲۹/۷ درصد است. اما نتایج نشان می‌دهد که زنان شاغل به طور عمده متخصصین رشته‌های «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» با ۲۵/۸ درصد و «علوم انسانی و هنر» با ۲۰/۱ درصد از کل شاغلان زن را تشکیل می‌دهند. همچنین شاغلان مرد رشته «بهداشت و رفاه» با ۲/۸ درصد و شاغلان زن رشته «کشاورزی و دامپزشکی» با ۱/۵ درصد کمترین سهم را داشته‌اند.



شکل ۳- توزیع نسبی شاغلان با تحصیلات عالی کشور برحسب رشته تحصیلی (درصد)



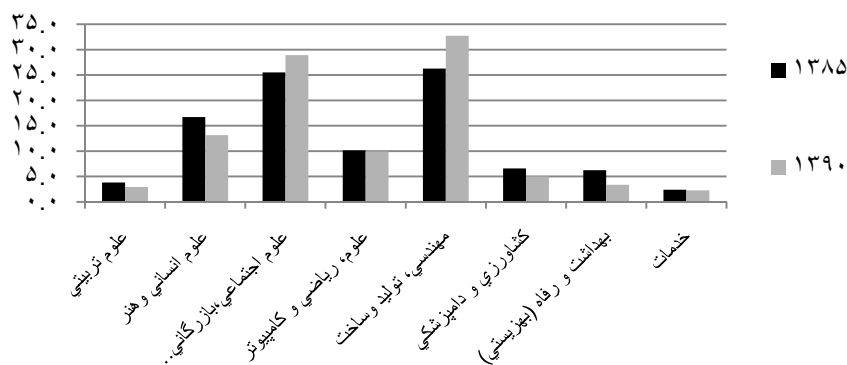
شکل ۴- توزیع نسبی شاغلان با تحصیلات عالی کشور برحسب جنس و رشته تحصیلی (درصد)

بررسی این شاخص در بین استان‌های کشور نیز حاوی نکات قابل تاملی است به طوری که در بیشتر استان‌ها حدود ۵۰ درصد شاغلان دارای رشته «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» و «مهندسی، ساخت و تولید» هستند اما در استان تهران این سهم به بیش از ۶۲ درصد رسید و در سیستان و بلوچستان حدود ۳۷ درصد می‌باشد.

وضعیت شاغلان استان گیلان نیز نشان می‌دهد که سهم شاغلان در دو رشته «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» و «مهندسی، ساخت و تولید» به ترتیب با ۲۸/۸ و ۲۲/۴ بالاترین سهم و شاغلان با رشته‌های تحصیلی خدمات و «کشاورزی و دامپزشکی» با ۳/۱ و ۵ درصد کمترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند.

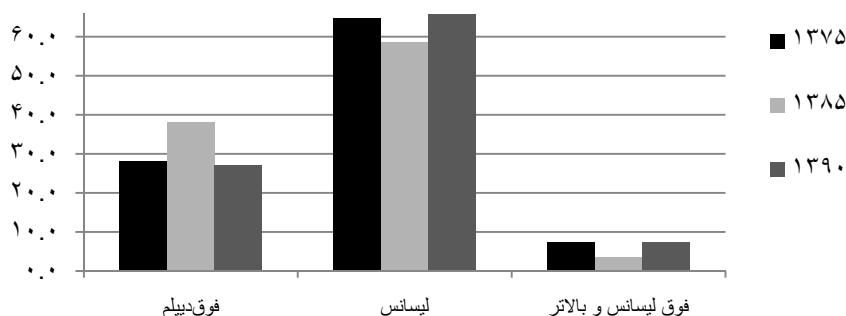
۵- وضعیت بیکاران دارای تحصیلات عالی برحسب رشته‌های تحصیلی

در این بخش وضعیت بیکاران دارای تحصیلات عالی براساس نرخ بیکاری کل و در هریک از رشته‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. براساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ نرخ بیکاری افراد دارای تحصیلات عالی در کل کشور برابر ۱۵/۳ درصد می‌باشد که حدود ۰/۵ درصد بیش از نرخ بیکاری کل کشور است. توزیع نسبی بیکاران با تحصیلات عالی برحسب مدرک نشان می‌دهد که بالاترین سهم با ۶۵/۸ درصد مربوط به بیکاران با مدرک لیسانس بوده است.



شکل ۵- توزیع نسبی بیکاران با تحصیلات عالی کشور برحسب رشته تحصیلی (درصد)

همچنین سهم بیکاران با مدرک فوق دیپلم در حال کاهش و سهم بیکاران با مدرک فوق لیسانس و بالاتر از ۳/۴ درصد معادل ۱۲/۵ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ به ۷/۲ درصد معادل ۵۵/۶ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ در حال افزایش است.



شکل ۶- توزیع نسبی بیکاران با تحصیلات عالی کشور بر حسب مدرک تحصیلی (درصد)

بالاترین نرخ بیکاری دارای تحصیلات عالی در استان‌های لرستان و ایلام به ترتیب با ۲۴/۲ و ۲۳/۶ درصد و کمترین نرخ بیکاری در استان‌های بوشهر و خراسان جنوبی به ترتیب با ۹/۲ و ۸/۸ درصد می‌باشد. استان گیلان با نرخ بیکاری ۲۰/۷ درصد برای افراد بیکار دارای تحصیلات عالی پس از کهگیلویه و بویراحمد در رتبه پنجم کشور قرار دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود دامنه نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی بیش از ۱۵ درصد است که نیازمند برنامه‌ریزی جدی در جهت کاهش نرخ بیکاری مورد نظر به سطحی منطقی و همچنین توازن نرخ بیکاری بین استان‌ها و کاهش دامنه نرخ بیکاری استان‌ها می‌باشد.

بر اساس جدول ۲ بالاترین نرخ بیکاری در بین رشته‌های تحصیلی در کشور مربوط به رشته‌های «کشاورزی و دامپزشکی» و «مهندسی، تولید و ساخت» و «علوم، ریاضی و کامپیوتر» به ترتیب با ۲۰/۱، ۱۸/۶ و ۱۸/۶ درصد است. استان‌های کرمانشاه و ایلام در اکثر رشته‌ها دارای بالاترین نرخ بیکاری و استان‌های خراسان جنوبی، بوشهر و قم دارای کمترین نرخ بیکاری در بین دانش‌آموختگان آموزش عالی می‌باشند. در استان گیلان نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان اکثر رشته‌ها بیش از مقدار مشابه در کشور است به‌طوری که بالاترین میزان بیکاری در رشته‌های «مهندسی، تولید و ساخت» با ۲۶/۴ درصد و «علوم، ریاضی و کامپیوتر» ۲۵/۶ درصد بوده است و کمترین نرخ بیکاری نیز در رشته‌های علوم تربیتی با ۸/۱ درصد و «بهداشت و رفاه» با ۹/۴ درصد می‌باشد.

جدول ۲- نرخ بیکاری دانش‌آموختگان با تحصیلات عالی کشور

رشته تحصیلی	نرخ بیکاری کشور	گیلان		استان‌های دارای پایین‌ترین نرخ بیکاری	استان‌های دارای بالاترین نرخ بیکاری
		رتبه	نرخ بیکاری		
کل	۱۵.۳	۵	۲۰.۷		
علوم تربیتی	۶.۴	۷	۸.۱	هرمزگان- خراسان جنوبی	کرمانشاه- ایلام
علوم انسانی و هنر	۱۴.۹	۴	۱۹.۳	خراسان جنوبی- قم	کرمانشاه- ایلام
علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق	۱۵.۵	۵	۲۱.۹	خراسان جنوبی- بوشهر	کرمانشاه- ایلام
علوم، ریاضی و کامپیوتر	۱۸.۶	۴	۲۵.۶	بوشهر - خراسان جنوبی	ایلام - کرمانشاه
مهندسی، تولید و ساخت	۱۸.۶	۵	۲۶.۴	هرمزگان - بوشهر	لرستان- کهگیلویه و بویر احمد
کشاورزی و دامپزشکی	۲۰.۱	۱۰	۲۳.۱	خراسان رضوی و جنوبی	ایلام- لرستان
بهداشت و رفاه (بهبودی)	۹.۶	۱۵	۹.۴	قم- سمنان	کهگیلویه و بویر احمد- ایلام
خدمات	۱۲.۰	۹	۱۴.۱	قم- سمنان	ایلام- لرستان

بررسی نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی بر حسب جنس نشان می‌دهد که میزان نرخ بیکاری مردان در کشور برابر ۱۱/۰ درصد و در بین زنان برابر ۲۳/۴ درصد است. این در حالی است که این میزان در گیلان برای مردان برابر ۱۳/۹ درصد که حدود ۲/۹ درصد بیش‌تر از مقدار مشابه در کشور است. این اختلاف فاحش در گیلان بیانگر فشار بیکاران زن تحصیل‌کرده بر بازار کار استان می‌باشد. بالاترین نرخ بیکاری مردان در کشور در رشته‌های «مهندسی، تولید و ساخت» با ۱۵/۶ درصد و «کشاورزی و دامپزشکی» با ۱۴/۷ درصد می‌باشد. در بین زنان بالاترین نرخ بیکاری در رشته‌های «کشاورزی و دامپزشکی» با ۴۳/۲ درصد و «مهندسی، تولید و ساخت» با ۳۵/۹ درصد می‌باشد. بررسی این شاخص در بین رشته‌های تحصیلی استان گیلان نشان می‌دهد که متأسفانه علیرغم استعداد استان در زمینه کشاورزی و صنعتی، فارغ‌التحصیلان رشته‌های «مهندسی، تولید و ساخت» و «کشاورزی و دامپزشکی» به ترتیب با ۲۱/۹ و ۱۵/۷ درصد بیشترین نرخ بیکاری در بین مردان را دارد. بیشترین نرخ بیکاری زنان نیز در رشته‌های «کشاورزی و دامپزشکی» با ۵۲/۷ درصد و «مهندسی، تولید و ساخت»

با ۴۸/۷ درصد است. به طور کلی در استان و کشور در تمام رشته‌ها نرخ بیکاری زنان بیش از دو برابر نرخ بیکاری مردان دارای تحصیلات عالی می‌باشد.

جدول ۳- نرخ بیکاری دانش‌آموختگان با تحصیلات عالی کشور و استان گیلان بر حسب جنس

رشته تحصیلی	نرخ بیکاری کشور			نرخ بیکاری گیلان		
	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
کل	۱۵/۳	۱۱/۰	۲۳/۴	۲۰/۷	۱۳/۹	۳۱/۵
علوم تربیتی	۶/۴	۳/۱	۹/۱	۸/۱	۲/۵	۱۲/۴
علوم انسانی و هنر	۱۴/۹	۷/۹	۲۱/۸	۱۹/۳	۸/۵	۲۸/۲
علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق	۱۵/۵	۹/۱	۲۸/۴	۲۲/۰	۱۰/۹	۳۹/۸
علوم، ریاضی و کامپیوتر	۱۸/۶	۱۰/۶	۲۷/۴	۲۵/۶	۱۲/۹	۳۵/۸
مهندسی، تولید و ساخت	۱۸/۶	۱۵/۶	۳۵/۹	۲۶/۴	۲۱/۹	۴۸/۷
کشاورزی و دامپزشکی	۲۰/۱	۱۴/۷	۴۳/۲	۲۳/۱	۱۵/۷	۵۲/۷
بهداشت و رفاه (بهبیستی)	۹/۶	۶/۱	۱۱/۳	۹/۴	۵/۵	۱۰/۶
خدمات	۱۲/۰	۷/۲	۲۲/۰	۱۴/۲	۹/۴	۲۵/۰
نامشخص و اظهار نشده	۶/۵	۵/۴	۹/۸	۷/۶	۵/۴	۱۲/۸

بررسی توزیع نسبی بیکاران و دانش‌آموختگان و دانشجویان در کشور نشان می‌دهد که علیرغم آن که بیشترین سهم بیکاران در بین زنان مربوط به رشته «علوم اجتماعی و بازرگانی و حقوق» با ۳۳/۳ درصد و در مردان در رشته «مهندسی، تولید و ساخت» با ۴۹/۱ درصد است اما در حال حاضر نیز بیشترین سهم دانشجویان زن در رشته «علوم اجتماعی و بازرگانی و حقوق» با ۳۵/۴ درصد و بیشترین سهم دانشجویان مرد در رشته «مهندسی، تولید و ساخت» با ۴۹/۰ درصد می‌باشد. این موضوع در صورت عدم پیش‌بینی عرضه بازار کار مناسب برای این دو رشته می‌تواند در آینده نزدیک فشار مضاعفی را بر افزایش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان آن‌ها بویژه برای زنان داشته باشد.

در استان گیلان نیز بیشترین سهم بیکاران مرد مربوط به رشته‌های «مهندسی، تولید و ساخت» و «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» به ترتیب با ۵۱/۵ و ۲۳/۱ درصد و در بین زنان مربوط به رشته‌های «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» و «مهندسی، تولید و ساخت» به ترتیب با ۳۶/۶ و ۱۶/۳ درصد است. بیشترین سهم دانشجویان مرد در رشته‌های «مهندسی، تولید و ساخت» و «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» با ۵۳/۲ و ۲۷/۶ درصد و در بین زنان مربوط به رشته‌های «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» و «مهندسی، تولید و ساخت» و با ۴۱/۷ و ۲۰/۹ درصد می‌باشد.

جدول ۴ - توزیع نسبی شاغلان، بیکاری، دانش‌آموختگان و دانشجویان با تحصیلات عالی کشور

رشته تحصیلی	سهم شاغلان			سهم بیکاران			سهم دانش‌آموختگان			سهم دانشجویان		
	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
علوم تربیتی	۷/۷	۵/۲	۱۳/۴	۲/۹	۱/۳	۴/۴	۷/۴	۵/۴	۹/۶	۲/۸	۱/۵	۴/۱
علوم انسانی و هنر	۱۳/۵	۱۰/۶	۲۰/۱	۱۳/۱	۷/۴	۱۸/۳	۱۵/۸	۱۰/۸	۲۱/۶	۱۱/۲	۸/۱	۱۴/۴
علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق	۲۸/۵	۲۹/۷	۲۵/۸	۲۸/۹	۲۴/۰	۳۳/۳	۲۷/۲	۲۶/۶	۲۷/۹	۳۰/۸	۲۶/۱	۳۵/۴
علوم، ریاضی و کامپیوتر	۷/۸	۶/۵	۱۰/۷	۹/۹	۶/۳	۱۳/۲	۹/۶	۷/۶	۱۱/۹	۸/۱	۵/۵	۱۰/۸
مهندسی، تولید و ساخت	۲۵/۸	۳۲/۹	۹/۹	۳۲/۷	۴۹/۱	۱۸/۰	۲۳/۴	۳۳/۷	۱۱/۶	۳۵/۱	۴۹/۰	۲۱/۲
کشاورزی و دامپزشکی	۳/۶	۴/۵	۱/۵	۵/۰	۶/۳	۳/۸	۳/۶	۴/۸	۲/۲	۳/۵	۳/۳	۳/۷
بهداشت و رفاه	۵/۷	۲/۸	۱۲/۲	۳/۴	۱/۵	۵/۱	۲/۷	۹/۵	۳/۹	۲/۱	۵/۷	۵/۷
خدمات	۳/۰	۳/۱	۲/۸	۲/۳	۱/۹	۲/۶	۳/۰	۳/۴	۲/۶	۲/۴	۲/۳	۲/۶
نامشخص و اظهار نشده	۴/۴	۴/۷	۳/۶	۱/۷	۲/۲	۱/۳	۴/۲	۵/۱	۳/۱	۲/۱	۲/۰	۲/۲

جدول ۵ - توزیع نسبی شاغلان، بیکاری، دانش‌آموختگان و دانشجویان با تحصیلات عالی گیلان

رشته تحصیلی	سهم شاغلان			سهم بیکاران			سهم دانش‌آموختگان			سهم دانشجویان		
	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن	کل	مرد	زن
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
علوم تربیتی	۸/۴	۵/۹	۱۳/۴	۲/۸	۰/۹	۴/۱	۸/۳	۶/۴	۱۰/۴	۲/۴	۱/۰	۳/۸
علوم انسانی و هنر	۱۳/۸	۱۰/۶	۲۰/۲	۱۲/۷	۶/۱	۱۷/۳	۱۵/۹	۱۱/۴	۲۰/۹	۷/۶	۴/۵	۱۰/۵
علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق	۲۸/۸	۳۰/۶	۲۵/۴	۳۱/۱	۲۳/۱	۳۶/۶	۲۷/۳	۲۶/۴	۲۸/۳	۳۴/۸	۲۷/۶	۴۱/۷
علوم، ریاضی و کامپیوتر	۸/۶	۶/۸	۱۲/۳	۱۱/۳	۶/۲	۱۴/۹	۱۰/۶	۸/۰	۱۳/۵	۷/۸	۴/۸	۱۰/۸
مهندسی، تولید و ساخت	۲۲/۴	۲۹/۷	۷/۹	۳۰/۸	۵۱/۵	۱۶/۳	۲۱/۲	۳۱/۰	۱۰/۳	۳۶/۷	۵۳/۲	۲۰/۹
کشاورزی و دامپزشکی	۵/۰	۶/۶	۱/۸	۵/۷	۷/۶	۴/۵	۴/۸	۶/۸	۲/۷	۳/۱	۳/۲	۳/۱
بهداشت و رفاه	۵/۸	۲/۲	۱۳/۱	۲/۳	۰/۸	۳/۴	۵/۵	۲/۰	۹/۳	۳/۳	۱/۴	۵/۰
خدمات	۳/۱	۳/۴	۲/۵	۱/۹	۲/۲	۱/۸	۲/۸	۳/۵	۲/۰	۲/۴	۲/۵	۲/۳
نامشخص و اظهار نشده	۴/۰	۴/۴	۳/۲	۱/۳	۱/۶	۱/۰	۳/۶	۴/۴	۲/۷	۱/۸	۱/۸	۱/۹

۶- نتیجه گیری :

- ۱- سهم دانشجویان کشور از جمعیت در حال تحصیل طی سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته به طوری که این سهم دانشجویان با رشد ۶۲ درصدی نسبت به سال ۱۳۸۵ به ۲۴/۲ درصد معادل ۴/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است .
- ۲- نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی از ۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۵/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. این موضوع بیانگر شکاف قابل توجه بین عرضه و تقاضای نیروی انسانی با تحصیلات عالی می‌باشد. چنانچه روند موجود ، شاهد افزایش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی بویژه در رشته های «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» و «مهندسی، تولید و ساخت» خواهیم بود.
- ۳- بالا بودن نرخ بیکاری در دو رشته «علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق» و «مهندسی، تولید و ساخت» نشان می‌دهد که به دلیل جدایی سیاست جذب دانشجوی و سیاست‌های کارآفرینی و ایجاد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی متناسب با امکان جذب و اشتغال فارغ‌التحصیلان بویژه در رشته‌های یاد شده تاکنون موفق عمل نکرده‌ایم .
- ۴- بررسی نتایج رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی نشان می‌دهد که نرخ بیکاری این گروه معلول عوامل مختلفی است از جمله کمتر توسعه‌یافتگی بخش خصوصی در بخش‌های تولیدی و خدمات در استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام و کهگیلویه و بویر احمد از مهمترین عوامل افزایش نرخ بیکاری مربوط و در برخی استان‌ها نظیر گیلان و فارس می‌تواند ناشی از بالا بودن نرخ باسوادی و سهم دانش‌آموختگان آموزش عالی از باسوادان باشد. همچنین در استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستان، هرمزگان و گلستان پایین بودن نرخ بیکاری می‌تواند به دلیل پایین بودن سهم دانش‌آموختگان آموزش عالی از سهم باسوادان باشد.
- ۵- طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ سهم دانش‌آموختگان بیکار در مقطع لیسانس از ۵۸/۵ به ۶۵/۸ درصد و فوق لیسانس و بالاتر از ۳/۴ به ۷/۲ درصد در حال افزایش می‌باشد.
- ۶- در سطح رشته‌های تحصیلی بیش از ۴۰ درصد بیکاران رشته «مهندسی، تولید و ساخت» حدود یکصد هزار نفر دارای مدرک فوق‌دیپلم می‌باشند.
- ۷- هزینه قابل توجه برای پرورش نیروهای با تحصیلات عالی جلوگیری از اتلاف آن، وجود نهاد یا دستگاهی فرابخشی به منظور ساماندهی سیاست‌های جذب دانشجوی برحسب رشته‌های مورد نیاز و متناسب با تقاضای بازار کار را ایجاد می‌کند.

مرجع ها

- [۱] حسین پور، مجید؛ بررسی وضعیت دانش‌آموختگان دانشگاهی در بازار کار ایران. پارک فناوری پردیس.
- [۲] چیت ساز قمی، محمد جواد (۱۳۸۳)؛ آموزش عالی اشتغال و بیکاری. نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۴.
- [۳] صبوحی، فرحناز (۱۳۸۰)؛ بررسی و تحلیل علل بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی. موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- [۴] قارون، معصومه (۱۳۸۴)؛ سیاست‌های علمی و فناوری در توسعه اشتغال. رهیافت سال ۱۲ شماره ۵۰-۴۹.
- [۵] مرکز آمار ایران (۱۳۵۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵، تهران.
- [۶] مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، تهران.
- [۷] مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، تهران.
- [۸] مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، تهران.
- [۹] مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران.
- [۱۰] میر جلیلی، فاطمه (۱۳۸۴)؛ اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی و تاکید بر کارآفرینی به عنوان یک راهکار افزایش آن. مجلس و پژوهش، سال ۱۲، شماره ۵۰-۴۹.